

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال شانزدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۴، شماره مسلسل ۶۲

تدابیر اقتصادی رسول خدا ﷺ در تأمین معیشت همسران خود

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۳/۸/۱۱

فرزانه حکیمزاده*

وضعیت اقتصادی زندگی رسول خدا ﷺ و چگونگی معیشت همسران آن حضرت، در شمار موضوعاتی است که با وجود اهمیت آن، تحت تأثیر نوشته‌های تاریخی مربوط به دعوت، غزوات و اخلاق اجتماعی پیامبر، چندان مورد توجه مورخان قرار نگرفته است. نوشتار حاضر، با هدف بررسی سبک زندگی رسول خدا ﷺ در امور مالی خانواده و با استفاده از منابع تاریخی، روایی و تفسیری کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که تدابیر رسول خدا ﷺ در تأمین معیشت همسران خویش چگونه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش، حکایتگر آن است که رسول خدا ﷺ در کنار ساده‌زیستی و تلاش برای فراهم آوردن امکانات داخلی زندگی در حد کفاف و حتی توصیه همسران به پرهیز از تجملات و زینت‌های اضافی، از هیچ کوششی برای تأمین نفقه لازم آنان فروگذار نمی‌کردند.

کلیدواژگان: رسول خدا ﷺ، همسران رسول خدا ﷺ، خانواده در اسلام، معیشت همسران پیامبر ﷺ، مهریه، نفقه.

* دانش پژوه سطح چهار جامعه الزهراء ﷺ و مدیر گروه تاریخ اسلام واحد پژوهش جامعه الزهراء ﷺ.

مقدمه

رسول خدا ﷺ، الگوی مؤمنان در همه ابعاد زندگی است. چگونگی اداره امور مالی خانواده، یکی از ابعاد زندگی آن حضرت است که شناخت آن، برای اداره صحیح امور معیشتی مسلمانان، مفید و مؤثر است. معیشت، به معنای محل درآمدی است که انسان با آن زندگی می‌کند. همچنین، به خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها و آنچه حیات آدمی به آن بسته است، معیشت گفته می‌شود.^۱ در حقیقت، تبیین سیره و رفتار اقتصادی پیامبر ﷺ در خانواده، برای کسانی که می‌خواهند سبک زندگی اسلامی را در زندگانی خود پیاده کنند، ضرورت و اهمیت بالایی دارد. مقاله پیش‌رو، با هدف پاسخ به مهم‌ترین نیاز جامعه اسلامی، یعنی شناخت سبک زندگی اسلامی در امور اقتصادی، تدوین شده است. در زمینه سیره اقتصادی پیامبر ﷺ در خانواده، پیشینه خاصی یافت نشد؛ اما گزارش‌های پراکنده در کتب مختلف و اخبار مربوط به سیره نبوی، می‌تواند دورنمایی از تدابیر اقتصادی آن حضرت در زندگی خانوادگی را به ما نشان دهد. رسول خدا ﷺ و سایر مسلمانان، در مدینه شرایط اقتصادی سختی داشتند. همه اموال آنان، در جریان هجرت، به تصرف مشرکان در آمد و تعدادی از آنان، حتی لباس کافی برای پوشاندن خود نداشتند. به همین دلیل، ساده‌زیستی علاوه بر آنکه شعار و انتخاب فردی پیامبر ﷺ بود، سبک زندگی خانوادگی حضرت را نیز شکل داده بود. به دلیل فرمان الهی، پیامبر ﷺ همسرانش را به بسنده‌نمودن به کمترین بهره دنیوی و دوری از هرگونه تحمل توصیه می‌نمود. در این مقاله، موارد مختلف مربوط به امور مالی همسران پیامبر ﷺ به تفصیل طی دو محور کلی، مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) اهتمام به حقوق مالی همسران

۱. پرداخت مهریه

مهر یا کابین، یکی از حقوق مالی زن است که خداوند پرداخت آن را به‌عنوان هدیه‌ای که با رضایت خاطر و توأم با ابراز دل‌بستگی از طرف مرد به زن داده می‌شود، واجب کرده است.^۲ در قرآن کریم، از مهریه با سه لفظ تعبیر شده که عبارت‌اند از: صدق^۳، نحله^۴ و

فریضه.^۵ هریک از این سه واژه، یکی از وجوه معانی مهریه را دربردارد. در نتیجه، در تعریف مهر از دیدگاه قرآن می‌توان گفت: بخششی است از روی صداقت و صمیمیت که اهدای آن، واجب است.

با توجه به آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام نیز می‌توان فهمید که جهت و هدف اصلی در مهریه، این نیست که اعتباری مالی برای زن و یا تضمینی برای آینده پس از طلاق باشد؛ بلکه هدیه و پیشکشی جهت نشان دادن علاقه مرد به زن می‌باشد. با تکیه بر روایتی که به کیفیت ازدواج حضرت آدم علیه‌السلام با حوا پرداخته، می‌توان نتیجه گرفت که آرامش‌بخشی، انس و هم‌صحبتی زن و مرد، مقدم بر تأمین میل جنسی است و در حقیقت، تأمین نیاز جنسی، یکی از عوامل اصلی آرامش‌بخش همسران برای یکدیگر و باعث تداوم نسل سالم انسانی می‌باشد.^۶

از سوی دیگر، با وجود میل مشترک زن و مرد به یکدیگر، خداوند مرد را به دادن هدیه به زن در قبال پذیرش همسری مرد موظف کرد تا بدین وسیله، در روابط زن و مرد، قانون عشق و جذب را جاری سازد.^۷ به همین دلیل، برای مهریه، مقدار خاصی، از جهت کمی یا زیادی، معین نشده و همانند هدیه، با توجه به میزان استطاعت مالی مرد و موقعیت و شرایط زن، کم یا زیاد می‌شود.^۸

موضوع پرداخت مهریه به زنان در آغاز ازدواج، از سنت‌هایی بود که در جاهلیت نیز مرسوم بوده و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آن تأکید داشتند. امامان معصوم علیهم‌السلام نیز با تأسی به آن حضرت، همواره در آغاز هر ازدواجی، مهریه همسرانشان را به آنان پرداخت می‌کردند.^۹ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: کسی که در مورد مهریه همسرش به او ستم کند، این شخص نزد خداوند زناکار محسوب می‌شود و خداوند در روز قیامت به او می‌گوید: «بنده من، بنا بر پیمان و عهد من با همسرت ازدواج کردی؛ ولی به عهد و پیمان من وفا نکردی و به بندهام ظلم نمودی.» بعد از آن، کارهای نیک مرد گرفته می‌شود و به اندازه حق زن، به وی داده می‌شود و اگر برای آن مرد، حسنه‌ای باقی نباشد، دستور داده می‌شود تا او را به سبب شکستن عهدش در آتش بیفکنند؛ چون عهد و پیمان، مورد سؤال واقع می‌شود.^{۱۰}

رسول گرامی اسلام ﷺ هنگام خواستگاری، مهریه را مشخص نموده، در آغاز زندگی، آن را به همسرش هدیه می‌کرد. در مورد میزان مهر همسران پیامبر ﷺ، نظرهای مختلفی در کتب تاریخی، روایی و فقهی ذکر شده است که عبارت‌اند از:

۱. به نقل از ابن هشام، مهر خدیجه بیست شتر ماده، و مهر سوده، عایشه، زینب دختر جحش، حفصه، میمونه، زینب دختر خزیمه (ام‌المساکین) و جویریّه، چهارصد درهم بود. مهر ام‌سلمه، یک دست رختخواب که از لیف خرما پُر شده بود، یک قَدح و ظرف نسبتاً بزرگی که گنجایش غذای پنج نفر را داشت و نیز یک آسیاب دستی بود و مهر ام‌حبیبیه، چهارصد دینار بود که نجاشی آن را پرداخت کرد.^{۱۱} ابن هشام، از مهر صفیه سخن نگفته است.

۲. مهر همه زنان پیامبر ﷺ، پانصد درهم بود که به «مهر السنّة» مشهور شده است.^{۱۲}

۳. مهر ام‌حبیبیه، چهارصد دینار بود که نجاشی آن را پرداخت کرد و مهر صفیه و جویریّه، آزادی آن‌ها، و مهر سایر زنان پیامبر ﷺ، پانصد درهم بود.^{۱۳}

در عین حال، رسول خدا ﷺ در خواست مهریه کمتر از سوی زنان را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین فضایل زنان نام برده و فرموده‌اند: «با فضیلت‌ترین زنان امت من، کم‌مهرترین ایشان هستند.»^{۱۴} در برخی احادیث نیز زنانی که به‌طور کلی، هزینه‌های آنان در زندگی کمتر باشد، در شمار برترین زنان نام برده شده‌اند.^{۱۵}

با توجه به مطالب فوق، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت:

- در نظام حقوقی اسلام، همه هزینه‌های زندگی، بر عهده مردان است؛ یعنی علاوه بر مهریه، تدارک ولیمه عروسی، جهیزیه و نفقه زن و فرزند در طول زندگی مشترک، در شمار تکالیف مرد است و زن، در این موارد تکلیفی ندارد. با توجه به پایین‌بودن سطح زندگی و فقر مالی بسیاری از مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ و کمی ثروت و درآمد بیشتر مردان در سنّ جوانی، توصیه به آسان‌گیری در هزینه‌ها، راهکار اساسی برای پیشگیری از تجرد و تأخیر در ازدواج و به دنبال آن، جلوگیری از رواج فساد است.

- با بررسی در مقدار و نوع مهریه‌های پرداخت‌شده از سوی رسول خدا ﷺ، ائمه معصومان علیهم‌السلام، صحابه و تابعین، می‌توان به این نتیجه رسید که کیفیت و کمیت مهریه

نیز به شرایط مالی مهریه‌دهنده و همچنین به موقعیت و جایگاه اجتماعی زنی که مهریه را می‌گرفت، بستگی داشت. افزون بر این، عوامل دیگری، از جمله مسائل سیاسی، گاهی اوقات در کمی یا زیادی میزان مهریه، تأثیر داشته است.^{۱۶}

۲. تهیه مسکن ساده برای همسران

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگام هجرت به مدینه، به دلیل خطری که او و همراهانش را از ناحیه قریش تهدید می‌کرد، خانواده‌اش را به همراه خویش نبرد و تنها همسرش، سوده و دخترانش: فاطمه علیها السلام، زینب، رقیه و ام‌کلثوم، پس از ایشان به مدینه هجرت کردند. عایشه نیز در آن زمان، هنوز به منزل پیامبر صلی الله علیه و آله نیامده بود و در خانه پدری به سر می‌برد.^{۱۷} پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ورود به مدینه، ابتدا در خانه ابویوب انصاری و در طبقه اول منزل وی سکنا گزید؛ درحالی‌که ابویوب و همسرش در طبقه بالا بودند و شام پیامبر صلی الله علیه و آله را برای حضرت می‌فرستادند.^{۱۸} همچنین، افرادی از انصار نیز غذای پیامبر صلی الله علیه و آله و مهمانانش را به صورت آماده برای آن حضرت می‌آوردند. مدت اقامت حضرت در منزل ابویوب، هفت ماه بود.^{۱۹}

در همان زمان، رسول خدا صلی الله علیه و آله مکانی را که در حال حاضر، مسجدالنبی صلی الله علیه و آله است، به ده دینار از صاحبانش خریداری کرد و با کمک مهاجران و انصار، شروع به ساختن مسجد نمود.^{۲۰} پس از اتمام مسجد، در اطراف مسجد، خانه‌هایی ساخته شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا منزل تنها همسرش سوده را بنا کرد و سپس، به خانه‌ای برای عایشه احتیاج پیدا کرد و آن را نیز ساخت و بعد، خانه‌های دیگر را در اوقات مختلف بنا نمود.^{۲۱}

پیش از آنکه حجره سوده را بسازد، ابتدا او را در یکی از خانه‌های حارثه بن نعمان^{۲۲} جای داد و پس از آماده‌شدن حجره‌های کنار مسجد، همسر خویش را به آن حجره‌ها نقل مکان داد. از واقدی نقل شده که حارثه بن نعمان، خانه‌هایی نزدیک مسجد داشت و هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله همسر جدیدی می‌گرفت، حارثه یکی از آن‌ها را که معمولاً مسکن خودش بود، برای پیامبر صلی الله علیه و آله خالی می‌کرد؛ تا آنجا که همه منازل حارثه در اختیار رسول خدا صلی الله علیه و آله و همسرانش قرار گرفت.^{۲۳} در حجره بعضی از همسران حضرت، افزون بر دری که برای رفت‌وآمد بود و از بیرون به مسجد باز می‌شد، دری هم مقابل آن قرار داشت که

پیامبر ﷺ از آن در به درون مسجد و برای نماز می‌آمد. در برخی از اعتکاف‌های پیامبر ﷺ در مسجد، حضرت سر خود را از همان در داخل خانه می‌بردند و عایشه که معذور از حضور در مسجد بود، سر مبارک حضرت را در این حال می‌شست.^{۲۴} در طبقات الکبری آمده است، تمام حجره‌های زنان پیامبر ﷺ بر کرانه چپ قبله مسجد تا جایگاه منبر قرار داشته و کنار منبر، دورترین حجره قرار گرفته بود.^{۲۵} شخصی که خانه‌های همسران پیامبر ﷺ در زمان عمر بن عبدالعزیز^{۲۶} را دیده، آن‌ها را این‌گونه وصف می‌کند:

خانه‌ها از خشت خام و حجره‌ها از شاخه‌های بریده خرما که میان آن‌ها را گل اندود کرده بودند، ساخته شده بود و مجموعاً نه خانه بود. گفته شده، خانه ام‌سلمه، از خشت خام ساخته شده بود. از نوه ام‌سلمه نقل شده که وقتی رسول خدا ﷺ به جنگ «دومه الجندل» رفته بود، ام‌سلمه خانه و حجره خود را با خشت خام ساخت و هنگامی که پیامبر ﷺ برگشت و آن را دید، از ام‌سلمه پرسید: «این بنا چیست؟» ام‌سلمه گفت: «می‌خواستم بدین‌گونه از دیدگان مردم پوشیده بمانم.» حضرت فرمود: «ای ام‌سلمه! ناپسندترین راهی که مال مسلمان در آن هزینه می‌شود، بنا و ساختمان است.»^{۲۷} گفته شده: روزی که ولید بن عبدالملک دستور تخریب حجره‌های زنان پیامبر ﷺ و ضمیمه کردن آن‌ها به مسجد را صادر کرد، تمام مردم مدینه گریه می‌کردند و سعید بن مسیب^{۲۸} در آن روز گفته بود:

به خدا سوگند! دوست دارم دولتمردان این حجره‌ها را به حال خود بگذارند تا آنکه کودکان مدینه که پرورش می‌یابند و بزرگ می‌شوند و هرکسی که به مدینه می‌آید و از کرانه صحرا می‌رسد، ببینند که رسول خدا در زندگی خود به چه چیز بسنده نموده بود و سببی باشد برای اینکه مردم را از مال‌اندوزی و فخرفروشی به یکدیگر در این جهان باز دارد.^{۲۹}

در گزارشی آمده است: چهار خانه از نه خانه حضرت، از خشت خام بود و حجره‌هایش از شاخه خرما. پنج خانه دیگر، از شاخه‌های گل اندود بود و حجره هم نداشت و بر در خانه‌ها پرده‌ای موپین که بلندی آن سه ذراع و پهنای آن یک ذراع و یک وجب یا کمتر از آن

بود، آویخته شده بود. طول و عرض پرده، نشان می‌دهد که سقف خانه‌ها و حجره‌های زنان پیامبر ﷺ، کوتاه بوده است.^{۳۰}

از مجموع گزارش‌های تاریخی، می‌توان به این نتیجه رسید که در ابتدا همسران پیامبر ﷺ، هر کدام در یکی از خانه‌های حارثه بن نعمان منزل می‌کردند و پیامبر ﷺ نیز برای آنان حجره‌هایی می‌ساخت. چهار تن از همسران رسول خدا ﷺ که در سال‌های نخست ورود آن حضرت به مدینه، به ازدواج پیامبر ﷺ در آمدند، هم حجره داشتند و هم خانه؛ اما پنج تن دیگر که از سال پنجم هجری به بعد همسر حضرت شدند، تنها خانه داشتند و حجره‌ای برای آنان ساخته نشد؛ یعنی زینب (بنت جحش)، جویریة، صفیه، ام‌حبیبه و میمونہ، حجره نداشتند. در نتیجه، در زمان رحلت پیامبر ﷺ، چهار حجره و نه خانه در اختیار همسران حضرت بود.

عبدالرحمن بن عوف، یکی از مهاجرانی بود که خانه‌های متعددی در اطراف مسجدالنبی ﷺ ساخت. یکی از خانه‌های او، اولین خانه‌ای بود که یک مهاجر در مدینه ساخت و رسول اکرم ﷺ با دستان خودش در آنجا بنایی ساخت و عبدالرحمن مهمانان پیامبر را در آن خانه جای می‌داد. به همین دلیل، به «دار الضیفان» مشهور بود و تا سال ۲۶۲هـ.ق، در دست یکی از فرزندان عبدالرحمن بن عوف قرار داشت.^{۳۱}

۳. توسعه امکانات در ایام عید و بازگشت از سفر

رسول خدا ﷺ به سرور و شادی خانواده اهمیت می‌داد و به دنبال فرصت‌ها و موقعیت‌هایی بود که خانواده خود را شاد سازد؛ در عین حال، حضرت همسرانش را از تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی نهی می‌کرد و قناعت و ساده‌زیستی را به‌عنوان یک ارزش در زندگی خانوادگی انتخاب کرده بود؛ اما توسعه رفاه خانواده و پاسخ به نیازهای عیال خویش در روزهای عید، از جمله اقداماتی بود که پیامبر ﷺ در جهت ایجاد فضای فرح و شادی برای خانواده خود انجام می‌داد. به همین دلیل، فرمود: «در روز جمعه برای خانواده‌هایتان میوه و گوشت تهیه کنید تا از آمدن جمعه خوشحال باشند.»^{۳۲} همچنین، تهیه سوغات سفر نیز برای خانواده، از توصیه‌های رسول گرامی اسلام ﷺ است. آن حضرت سفارش می‌نمود: «زمان بازگشت از سفر، برای خانواده‌تان هدیه بیاورید و آن‌ها را برخوردار سازید؛ حتی به اندازه یک سنگ.»^{۳۳}

آن حضرت در عین حال، همسران خود را به توکل بر خداوند در امور اقتصادی توصیه می‌کرد؛ چنان‌که به یکی از همسرانش فرمود: «آیا تو را از نگهداشتن چیزی برای فردا نهی نکردم؟ همانا خداوند رزق هر روزی را می‌دهد.»^{۳۴} پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند بلندمرتبه، به اندازه خرجی مساعدت می‌نماید و به تلافی کمی آسایش، صبر عطا می‌کند.»^{۳۵}

ب) تدابیر اقتصادی پیامبر ﷺ در خانواده

۱. تدبیر در معیشت

تدبیر و برنامه‌ریزی در زندگی، از اصول مهمی است که در دنیای امروز به‌عنوان تنها راهکار پیشرفت شناخته شده است. مراد از برنامه‌ریزی در معیشت، آن است که امکانات و اموال در زندگی به‌گونه‌ای مصرف شود که بیشترین بهره‌وری به دست آید و در عین حال، سرمایه‌های زندگی حفظ شود. برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح امور، باعث نجات زندگی از آشفتنگی و تزلزل شده، از زیاده‌روی و کم‌روی در امور جلوگیری می‌کند. تأثیر عدم تدبیر در نابسامان کردن شرایط اقتصادی خانواده، چنان است که رسول خدا ﷺ فرمود: «من درباره اتم، از فقر نگران نیستم؛ بلکه درباره ایشان از بدتدبیری نگرانم.»^{۳۶}

بی‌برنامگی اقتصادی، موجب اسراف و تبذیر شده، ممکن است انسان ثروتمند و برخوردار از نعمت‌ها را به آستان فقر بکشاند. البته تدبیر، به معنای تنگ‌نظر بودن در زندگی نیست؛ بلکه به معنای میانه‌روی و محاسبه سود، سرمایه و خرج و مخارج است. پیامبر ﷺ در این باره فرمود: «میانه‌روی در نفقه، نیمی از معیشت است.»^{۳۷} و در کلامی دیگر فرمود: «مدار، نیمی از زندگانی است و کسی که میانه‌رو باشد، نادار نشود.»^{۳۸}

رسول خدا ﷺ نسبت به تدبیر اقتصاد خانواده، به‌شدت پایبند بود؛ آن حضرت ﷺ کفش خود را پینه می‌زد، لباس پاره‌اش را می‌دوخت و دلو آبکشی را وصله می‌زد.^{۳۹} آن حضرت، همسران خود را نیز به تدبیر اقتصادی و حفظ امکانات زندگی سفارش می‌نمود. در روایت آمده است که ایشان خطاب به عایشه فرمود: «ای عایشه! اگر می‌خواهی به من ملحق شوی، از دنیا به اندازه توشه یک سوار تو را کفایت می‌کند و از همنشینانی با ثروتمندان بپرهیز و لباسی را کنار نگذار، مگر اینکه دیگر نتوانی آن را وصله بزنی.»^{۴۰} در حقیقت،

سفارش رسول خدا ﷺ به وصله زدن لباس، بر اساس همان اعتدال و تدبیری است که در زندگی رعایت می نمودند و به دلیل کمبود امکانات و عدم توسعه در ثروت، وسایل زندگی خویش را تا حد امکان، حفظ نموده، از مخارج غیر ضروری پرهیز می کردند.

قناعت به روزی موجود و عدم چشمداشت به بهره‌مندی‌های دیگران نیز در شمار تدبیرهایی بود که رسول خدا ﷺ همسرانش را به آن توصیه می نمود. عدم چشمداشت به امکانات دیگران، از چشم‌وهم‌چشمی‌های زیان‌آور در زندگی جلوگیری می کند. از عایشه نقل شده است: زنی از انصار بر من وارد شد و فریادش رسول خدا ﷺ را دید که عبایی تاشده بود. [وقتی به منزل خود] رفت، رختخوابی فرستاد که داخل آن از پشم پُر شده بود. رسول خدا ﷺ بر من وارد شد و فرمود: «ای عایشه! این چیست؟» گفتم: «فلان زن انصاری بر من وارد شد و فریادش تو را دید و رفت و این را برای من فرستاد.» حضرت فرمود: «به او بازگردان.» گفتم: «چرا به او برگردانم؛ درحالی که دوست دارم در خانه‌ام باشد؟» و سه بار این کلام را تکرار کردم. فرمود: «ای عایشه! رختخوابش را به او برگردان. به خدا قسم! اگر بخواهم، خداوند کوه‌های طلا و نقره را در اختیار من قرار می‌دهد.» و من [رختخواب را] به او برگرداندم.^{۴۱}

۲. اهتمام به ساده‌زیستی همسران

درباره چگونگی معیشت همسران پیامبر ﷺ و کیفیت و کمیت خوراک، پوشاک، مسکن و زیورآلات آنان، گزارش‌های اندکی در کتب تاریخی به ثبت رسیده است؛ اما گزارش‌های مختلف در خصوص سیره اقتصادی پیامبر ﷺ در خانواده، حکایتگر آن است که رسول خدا ﷺ هنگام ازدواج با خدیجه، از ثروت فراوان همسرش بهره‌مند شد و از آنجا که خدیجه با میل و رغبت، همه ثروت خود را به پیامبر ﷺ بخشید،^{۴۲} حضرت دیگر نگرانی و دغدغه تأمین مالی خانواده خود را نداشت.

از سوی دیگر، در زمان حیات خدیجه، مدیریت داخلی منزل و تدبیر امور فرزندان در داخل خانه بر عهده خدیجه بود^{۴۳} و او با درایت، زیرکی و توانایی، امور گوناگون منزل و از جمله معیشت را تدبیر می‌کرد.

پس از ورود به مدینه، همسران رسول خدا ﷺ از نظر مسکن، خوراک، پوشاک و زیورآلات، از کمترین امکانات برخوردار بودند. با توجه به گزارش‌های تاریخی، این مسئله دو دلیل دارد که عبارت‌اند از:

دلیل اول: نگاه زاهدانه پیامبر ﷺ به زندگی دنیا

آن حضرت نسبت به دنیا و مواهب آن، بی‌اعتنا بود. روزی یکی از همسرانش، پرده‌ای بر در خانه آویخته بود که روی آن تصاویر پرندگان وجود داشت. حضرت ﷺ فرمود: «پرده را بردار؛ زیرا وقتی در آن می‌نگرم، به یاد دنیا می‌افتم.»^{۴۴} طبق روایت دیگر، رسول خدا ﷺ هیچ‌گاه سه روز پیاپی از نان گندم سیر نشد.^{۴۵}

همچنین، از امام صادق علیه السلام روایت شده: رسول خدا ﷺ بر ام‌سلمه وارد شد. او تکه‌نانی برای پیامبر ﷺ آورد. حضرت فرمود: «آیا خورش داری؟» ام‌سلمه گفت: «خیر، ای فرستاده خدا! غیر از سرکه چیزی ندارم.» حضرت فرمود: «سرکه هم خوب‌خوشی است؛ خانه‌ای که در آن سرکه باشد، بی‌طعام نخواهد بود.»^{۴۶}

گزارش‌های یادشده، به‌خوبی ما را متوجه این حقیقت می‌کند که رسول اکرم ﷺ از یادآوری دنیا و نیز سخت‌گیری در امور دنیایی پرهیز می‌کرد.

البته باید به این نکته توجه داشت که هیچ‌گاه زهد حضرت، به معنای ترک زندگی عادی و پرهیز از لذات حلال و تأمین‌نکردن نفقه همسران نبود. در گزارشی آمده است که تعدادی از اصحاب پیامبر ﷺ، زناشویی، غذاخوردن در روز و خوابیدن در شب را بر خود حرام کرده بودند. ام‌سلمه این موضوع را به پیامبر ﷺ خبر داد و حضرت به نزد آن عده از اصحاب رفت و به آن‌ها فرمود: «آیا نسبت به زنان، بی‌رغبت هستید! همانا من با همسرانم زناشویی دارم و در روز، غذا می‌خورم و در شب می‌خوابم. پس، هرکس از سنت من روی بگرداند، از من نیست.» آن‌گاه خداوند این آیات را نازل نمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ؛^{۴۷}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام شمارید و از حد مگذرید که خدا از حدگذرندگان را دوست نمی‌دارد و از

آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید و از آن خدایی که به او ایمان دارید، پروا دارید.

پس از نزول آیات فوق، آنان گفتند: «ای فرستاده خدا! ما بر ترک این امور سوگند خورده‌ایم.» خداوند نیز در پاسخ آنان، این آیات را نازل کرد:

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَوْ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^{۴۸}

خدا شما را به سوگندهای بیهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند؛ ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید]، شما را مؤاخذه می‌کند و کفاره‌اش خوراک دادن به ده بینواست؛ از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید. یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده‌ای. و کسی که [هیچ یک از این‌ها را] نیابد، [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما، وقتی که سوگند خوردید و سوگندهای خود را پاس دارید. این‌گونه، خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند؛ باشد که سپاسگزاری کنید.^{۴۹}

در گزارشی آمده است، رسول خدا ﷺ پس از رحلت، دینار، درهم، بنده، گوسفند و شتر به ارث نگذاشت و در حالی قبض روح شد که زره خود را نزد یکی از یهودیان مدینه به‌ازای بیست من جو، گرو گذاشته، آن جو را برای نفقه خانواده‌اش قرض گرفته بود.^{۵۰} قسمت پایانی گزارش اخیر، بیانگر آن است که پیامبر ﷺ با وجود پرهیز از توجه و مشغولیت به نعمت‌های دنیایی، برای تأمین نفقه خانواده خویش، همه تلاش خود را به کار می‌گرفت و در مواقع نیاز، حتی با یهودیان نیز وارد معامله می‌شد و با قرض گرفتن از آنان، نفقه خانواده را تأمین می‌کرد.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا رسول خدا ﷺ غذای متعارف و متوسطی را برای خانواده‌اش قرار داده بود؟» حضرت پاسخ داد: «بله، به درستی که نفس انسانی، زمانی که خوراکش را شناخت، به آن قانع شده و گوشت بر آن می‌روید.»^{۵۱}

بر اساس خلاصه یک گزارش، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله اراضی خیبر را فتح کرد، یهودیان ساکن در خیبر از ایشان تقاضا کردند که در زمین‌های خیبر کار کنند و نصف محصول از خودشان باشد؛ اما حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را عامل این زمین‌ها قرار می‌دهیم؛ آن‌گونه که ما می‌خواهیم.»

بنابراین، پیشنهاد نصف کردن محصول را از آن‌ها نپذیرفت. از این‌رو، پس از تقسیم خرماها، رسول خدا صلی الله علیه و آله از سهم مسلمانان، خمس خود را برداشته، برای زنانش در هرسال، هشتاد خروار خرما و بیست خروار جو مقرر نمود. این مقررری، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ادامه داشت تا زمانی که عمر تصمیم گرفت زمین‌های خیبر را تقسیم کند و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را مخیر کرد که ملک و آب به آن‌ها برسد یا همان مقررری را داشته باشند. عایشه و حفصه، زمین و بقیه زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، مقررری سابق را برگزیدند.^{۵۲}

دلیل دوم: موقعیت دینی و اجتماعی رسول خدا صلی الله علیه و آله

این موقعیت باعث می‌شد که حضرت سطح زندگی خود و خانواده‌اش را در حد پایین‌ترین افراد جامعه قرار دهد؛ به‌ویژه آنکه در زمان حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه، مسلمانان در فقر مالی شدید به سر می‌بردند؛ تا آنجا که بعضی از صحابه، هیچ سرپناهی برای زندگی نداشتند، در داخل مسجد نبوی روی یکی از سکوه‌های آن به سر می‌بردند. اینان به «اصحاب صفه» شهرت داشتند.^{۵۳} از عایشه نقل شده: «دنیا پیوسته بر ما سخت و تنگ بود؛ تا آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت فرمود و بعد از ایشان، دنیا بر ما ریزش نمود و صاحب رفاه فراوان شدیم.»^{۵۴}

۳. نهی همسران از تجمل‌گرایی

معمولاً زنان به زیورآلات و زینت‌های زندگی علاقه دارند و برای تهیه آن‌ها، از هر فرصت مناسبی استفاده می‌کنند. دل‌بستگی به این‌گونه امور، برخی اوقات، باعث ایجاد حس رقابت و چشم‌وهم‌چشمی شده، زنان را از مسیر پرهیزکاری دور می‌سازد. همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز مانند سایر زنان، از این قاعده مستثنا نبودند و با وجود آنکه به افتخار

همسری خاتم پیامبران نایل شده، از مصاحبت با بزرگوارترین و خوش اخلاق‌ترین انسان در کل هستی بهره‌مند بودند، اما علاقه و شیفتگی خود را به زیورها و تجملات از دست نداده، در بعضی فرصت‌ها از رسول خدا ﷺ نیز درخواست تهیه طلا و یا لباس‌های زیبا و متنوع داشتند. در تحلیل این‌گونه رفتارهای زنان پیامبر ﷺ، علاوه بر توجه به ویژگی‌های روحی زنان، باید به حُسن خُلق و گشاده‌رویی و مدارای حضرت نیز به‌عنوان عاملی در ابراز درخواست‌ها از سوی همسران ایشان اشاره کرد؛ زنانی که بیشتر از هرکسی به روحیه زاهدانه پیامبر واقف بوده، سختی و تنگدستی سایر مسلمانان را نیز از نزدیک می‌دیدند؛ اما در عین حال، هیچ ترس و نگرانی از بیان تمایلات قلبی خود نداشتند.

با استفاده از گزارش‌های تاریخی، می‌توان گفت: سعی آن حضرت این بوده که خانواده خویش را از دل‌بستگی به زیورها و زینت‌های دنیایی برحذر داشته، ساده‌زیستی را به آنان بیاموزد. در این زمینه، گزارش‌های اندکی به دست ما رسیده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

پیامبر ﷺ ام‌سلمه را دید که گردن‌بندی از طلا دارد. به او نگاه نکرد. ام‌سلمه گفت: آیا به زینت من نگاه نمی‌کنی؟ فرمود: از زینت تو رو برگرداندم.^{۵۵}

همچنین، نقل شده که پیامبر ﷺ به همسرانش فرمود: «چه ضرری می‌کرد هریکی از شما، اگر گوشواره‌ای از نقره داشت که با زعفران آن را زرد کرده بود؟»^{۵۶} دعوت به استفاده از نقره به جای طلا، خود نوعی تشویق به ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی به شمار می‌رود.

برخی توصیه‌های رسول خدا ﷺ به همسرانش نیز در جهت آماده‌سازی آنان برای ساده‌زیستی و کم‌توجهی به ثروت‌اندوزی بوده است؛ چنان‌که از ام‌سلمه نقل شده: مجسمه آهویی داشتم که از طلا بود. پیامبر ﷺ فرمود: «آن را صدقه بدهم؟»^{۵۷}

آن حضرت ﷺ به عایشه فرمود: «[هرگز] مسکین را رد نکن؛ حتی اگر به جزئی از یک خرما باشد و تهی‌دستان را دوست داشته باش و به آن‌ها نزدیک شو.»^{۵۸}

۴. اجازه کار و کسب درآمد

برخی زنان، در زمان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، به فعالیت‌های اقتصادی می‌پرداختند و معصومان علیهم‌السلام نه تنها آنان را از کار و تلاش نهی نمی‌کردند، بلکه در

مواردی که اشتغال زنان کاملاً متناسب با روحیات و شرایط زنان بود و عفاف و حجاب آنان را خدشه‌دار نمی‌کرد، ادامه فعالیت زنان را مورد تشویق قرار می‌دادند. همچنین، همسران رسول خدا ﷺ نیز از کار و کسب درآمد، با شرایطی که گفته شد، از سوی حضرت منع نمی‌شدند؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

- طبق گزارشی، زینب، دختر جحش، بسیار بخشنده بود و با دست خود کار می‌کرد و از محل درآمدش، به بینوایان صدقه می‌داد.^{۵۹}

- رسول خدا ﷺ یکی از روزهایی که نزد ام‌سلمه بود، فرمود: «میل به خوردن خرماى عجوه دارم.» ام‌سلمه، دو صاع^{۶۰} (صاعین) خرما را نزد مردی از انصار فرستاد و آن مرد انصاری به جای آن، یک صاع خرماى عجوه فرستاد. ام‌سلمه، خرماى عجوه را نزد پیامبر ﷺ بُرد. حضرت از آن خوشش آمد و یکی از خرماها را برداشت؛ اما پیش از خوردن آن، پرسید: «این خرما از کجا برای شما آمده است؟» ام‌سلمه گفت: «دو صاع خرما برای کسی فرستادم و یک صاع خرماى عجوه به جای آن برای ما فرستاد و این، همان است.» حضرت فرمود: «آن را برگردانید؛ من به آن نیازی ندارم. خرما با خرما، گندم با گندم، جو با جو، طلا با طلا، نقره با نقره، دست با دست، عین با عین، مثل با مثل. کسی که بیفزاید، رباست.»^{۶۱}

آنچه از گزارش فوق می‌توان برداشت کرد، آن است که همسران رسول خدا ﷺ اموالی در اختیارشان بود و به دلخواه خود با آن اموال خرید و فروش و معامله انجام می‌دادند. ام‌سلمه، خرمایی در منزل داشت و برای تهیه آنچه مورد نیازش بود (خرمای عجوه)، آن خرما را فرستاد و در جریان این دادوستد، یک حکم شرعی را از پیامبر ﷺ فراگرفت و آن، چگونگی پرهیز از ربا در معاملات بزرگ و کوچک است.

- از امام صادق علیه السلام روایت شده است: زینب عطاره (حولاء) بر پیامبر ﷺ وارد شد؛ درحالی‌که پیامبر نزد همسرانش بود. حضرت خطاب به او فرمود: «وقتی که تو می‌آیی، خانه‌های ما خوشبو می‌شود.» زینب گفت: «خانه‌های شما، به بوی شما خوشبوتر است ای فرستاده خدا!» پیامبر ﷺ به او سفارش نمود: «هنگام فروش، به‌خوبی بفروش و در معامله غش نکن؛ زیرا این کار، به تقوای الهی، نزدیک‌تر و برای حفظ مال، سودمندتر است.»^{۶۲}

آموزش شیوه فروش عطر از سوی رسول خدا ﷺ به حولاء، تأیید کار متناسب با روحیه زنان و کسب درآمد حاصل از آن می‌باشد.

شایان توجه است که بر اساس آموزه‌های دینی، خانواده در اسلام، رکنی بنیادین بوده، حفظ و حراست از آن، لازم است. زن، رکن خانواده و مظهر خالقیت خداست و تولید نسل سالم انسانی و پرورش و تربیت فرزندان، مهم‌ترین خلاقیت زنان است. به همین دلیل، هنگام تزاحم بین اشتغال و ازدواج و یا کار بیرون از منزل و رسیدگی به امور داخلی خانه و عدم امکان جمع بین آن‌ها، کانون خانواده بسی مهم‌تر است و بر اساس اصل تقدیم اهم بر مهم، باید تشکیل خانواده و تقویت و استحکام آن، بر سایر امور مقدم باشد.

نتیجه

رسول خدا ﷺ در زندگی خویش، همواره از مشغول شدن به نعمت‌ها و لذت‌های زودگذر دنیا پرهیز داشت. در حقیقت، ساده‌زیستی و سبک زندگی پیامبر ﷺ همسرانشان را به بسنده نمودن به امکانات موجود سفارش و ترغیب می‌نمود. مهریه زنان رسول اکرم ﷺ، طبق نظر مشهور، پانصد درهم بود. مسکن همسران حضرت، ساده و کم‌هزینه، و خوراک، پوشاک و سایر امکانات خانواده ایشان، در حد کفاف و همسان با زندگی نیازمندان بود. گفتنی است، با آنکه برخی همسران رسول خدا ﷺ دختران رؤسای قبایل بودند، پس از ازدواج با پیامبر ﷺ، طبق سفارش خدا و رسولش، از درخواست تجملات و زیورها منع شده و خود را با شرایط زندگی ساده حضرت تطبیق دادند. در عین حال، رسول خدا ﷺ برای تأمین نفقه لازم زنانش، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

از سوی دیگر، همسران پیامبر ﷺ از تلاش برای کسب درآمد و استقلال اقتصادی منع نشده، برخی از آنان با توجه به استعداد خویش، به کار مشغول بودند و دسترنج خود را در راه خدا انفاق می‌کردند. نگاه زاهدانه رسول خدا ﷺ به دنیا و کناره‌گیری از مشغولیات مادی زندگی و در یک کلام، ساده‌زیستی آن حضرت، مهم‌ترین پیامی است که از سیره و رفتار اقتصادی رسول گرامی اسلام ﷺ در خانواده می‌توان دریافت کرد.

بررسی تأثیر ساده‌زیستی و قناعت بر حفظ آرامش در خانواده، موضوعی است که شایسته تحقیق می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، چاپ سوم، [بی‌جا]: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق.
 ۲. نساء، آیه ۴: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً؛ و بدهید به زنان مَهْرِیه‌هایشان را با رضایت خاطر.» شهید مطهری می‌نویسد: «مهر، هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیشکشی و هدیه ندارد.» (مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، چاپ چهل‌وششم، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸۶ - ۱۸۷)
 ۳. نساء، آیه ۴.
 ۴. نساء، آیه ۴.
 ۵. نساء، آیه ۴.
 ۶. محمد بن علی، شیخ صدوق، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، تحقیق و ترجمه صدر الدین بلاغی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۸۰؛ محمد بن حسن، حرّ عاملی، *وسائل الشیعه‌الی تحصیل الشریعه*، قم مؤسسه آل‌البتت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰، ص ۱۳.
 ۷. شهید مطهری(ره)، در مورد فلسفه حقیقی مهر، مطالب مفصلی دارد که یک جمله آن چنین است: «به عقیده ما، پدید آمدن مهر، نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن آفرینش، برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آن‌ها به یکدیگر به کار رفته است.» (مطهری، پیشین، ص ۱۸۳)
 ۸. فقهای شیعه با توجه به روایات متعددی که از معصومان علیهم‌السلام رسیده، کم‌بودن مهر را مستحب، و زیادبودن آن را مکروه می‌دانند. (شیخ صدوق، *المقنع*، مؤسسه الامام الهادی، [بی‌جا]: بی‌تا، ص ۳۰۲؛ شیخ مفید، *المقنعه*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۰۹؛ شیخ طوسی، *النهایه فی مجرد الفقه والفتاوی*، قم: انتشارات قدس، [بی‌تا]، ص ۴۶۹؛ شیخ طوسی، *المبسوط فی فقه الامامیه*، تحقیق محمدباقر بهبودی، [بی‌جا]: مکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۷۳)
- سایر علمای گذشته نیز همین عقیده را پذیرفته‌اند؛ در عین حال، روایات فراوانی بر انحصارداشتن مَهْرِیه از جهت کثرت دلالت دارند؛ روایاتی که معیار را در مقدار مهر، رضایت

طرفین دانسته و روایاتی که تصریح می‌کنند که مهر، حدّ معینی ندارد و روایاتی که به مواردی از مهرهای زیاد و جواز آن تصریح کرده‌اند که در میان این موارد، برخی از ائمه و اصحاب آنان نیز - در شرایط خاصی - به زنان خود مهریه‌های سنگین داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان از امام حسن مجتبی علیه السلام نام برد که مهر یکی از همسرانش را صد کنیز قرار داد که همراه هر کنیزی، هزار درهم بود. (ن.ک: شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۴۰ - ۲۶۳)

همچنین، علمای اهل سنت نیز از روش پیامبر صلی الله علیه و آله، مبنی بر استحباب آسانی ازدواج و کم‌بودن هزینه‌های آن، از جمله مهر، خبر داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، محیی‌الدین نووی آورده است: «شافعی گفت: میانه‌روی در مهر، نزد من محبوب‌تر از زیاده‌روی در آن است.» (نووی، محی‌الدین بن شرف، المجموع، [بی‌جا]: دار الفکر، [بی‌تا]، ج ۱۶، ص ۳۲۷)

۹. امام باقر علیه السلام فرمود: «ما با زنان ازدواج می‌کنیم و مهریه‌هایشان را به خودشان می‌دهیم و آن‌ها هرچه دلشان خواست، با آن می‌خرند و در این مورد، برای ما هیچ چیزی نیست.» (محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش. ج ۶، ص ۴۷۷؛ محمد بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، چاپ ششم، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق، ص ۱۳۱؛ قاضی نعمان مغربی تمیمی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، تحقیق آصف بن علی اصغر فیضی، قاهره: دار المعارف، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۶۰؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۵، ص ۳۳۶)

۱۰. محمد بن علی، شیخ صدوق، امالی، تحقیق قم الدراسات الاسلامیه، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق، ص ۴۲۸؛ همو، کتاب من لا یحضره الفقیه، پیشین، ج ۴، ص ۱۳؛ طبرسی، مکارم الأخلاق، چاپ ششم، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۹۲ ق. ص ۴۲۹؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۶۷؛ محمدباقر، مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۵۷ ق، ج ۷۶، ص ۳۳۳.

۱۱. ابن هشام، عبدالملک، سیره النبویه، محمد محی‌الدین عبدالحمید، قاهره: مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ ق، ج ۴، ص ۱۰۵۷ - ۱۰۶۲. در سیره حلبی، پس از نقل دو قول در مورد مهر خدیجه، یعنی پانصد درهم و بیست شتر ماده، آمده است: «منافاتی ندارد که بیست شتر

ماده، جای آن پانصد درهم باشد و بعضی‌ها گفته‌اند: جایز است که ابوطالب پانصد درهم را مهریه قرار داده باشد و رسول خدا ﷺ خودش این تعداد شتران ماده را افزوده باشد و همه این‌ها صادق باشد. والله اعلم.» (حلبی، علی بن برهان‌الدین، *السیرة الحلبیة*، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۲۶)

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الفروع من الکافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۲۰؛ همان، ج ۵، ص ۳۷۵ - ۳۷۶. در کتاب *الکافی*، ج ۵، در بابی تحت عنوان «السنة فی المهور» شش حدیث با اسناد مختلف از امام صادق علیه السلام نقل شده که مهر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، پانصد درهم بوده و آن را «مهر السنة» نامیده است؛ شیخ طوسی، *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة*، تحقیق سید حسن موسوی الخراسان، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۴ش، ج ۷، ص ۳۶۵ - ۳۵۶؛ همو، *الاستبصار*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۲۳۰؛ طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام الوری باعلام الهدی*، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۴؛ صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی والرشاد فی سیرة خیر العباد*، تصحیح شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۴۶. در *سبل الهدی*، نظر پانصد درهم، بر نظرهای دیگر ترجیح داده شده و نویسنده آن گفته: این قول، متفق علیه است؛ شیخ حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۴۴ - ۲۵۰، باب «استحباب کون المهر خمسمائة درهم وهو مهر السنة»؛ طباطبایی بروجردی، آقا حسین، *جامع احادیث الشیعة*، قم: مطبعة العلمیة، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۹۶.

۱۳. همان.

۱۴. کلینی، *الکافی*، پیشین، ج ۵، ص ۳۲۳؛ شیخ حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۴۴ - ۲۵۰؛ قاضی نعمان مغربی، *دعائم الاسلام*، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۷؛ شیخ طوسی، *تهذیب الأحکام*، پیشین، ج ۷، ص ۴۰۳.

۱۵. شیخ طوسی، المبسوط، پیشین، ج ۴، ص ۲۷۲ - ۲۷۳؛ نیشابوری، محمد بن فتال، روضة الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی الخراسان، قم: منشورات شریف الرضی، [بی تا]، ص ۳۷۵؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۲۰، ص ۱۰۷.
۱۶. نجاشی (پادشاه حبشه)، از طرف رسول خدا ﷺ ام حبیبه را برای پیامبر ﷺ عقد کرد و مهر او را چهارصد دینار طلا قرار داد؛ در حالی که مهر سایر زنان پیامبر ﷺ، بیشتر از پانصد درهم نبود.
۱۷. ابن هشام، سیرة النبویة، پیشین، ج ۸، ص ۵۸؛ ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، بیروت: دار الصادر، [بی تا]، ص ۴۱؛ طبری، محمد بن جریر بن زید، تاریخ الامم والملوک (تاریخ الطبری)، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۱۲.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۶؛ ابن کثیر، اسماعیل، السیرة النبویة، تحقیق علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۷۸. در اعلام الوری آمده است: اسعد بن زرارہ، هر روز صبح و شام، کاسه‌ای آبگوشت می‌فرستاد و همه اطرافیان پیامبر ﷺ می‌خوردند و سیر می‌شدند و کاسه پُر می‌ماند. سعد بن عبادہ نیز هر شامگاه برای پیامبر ﷺ غذا می‌فرستاد و اطرافیان حضرت می‌خوردند و محتویات کاسه باقی می‌ماند. همچنین، افرادی نظیر: اسعد بن زرارہ، سعد بن خيثمه، منذر بن عمر، سعد بن ربیع و أسید بن خُضیر، به تناوب هر صبح و شام برای پیامبر ﷺ غذا می‌آوردند.
۱۹. ابن هشام، سیرة النبویة، پیشین، ج ۲، ص ۳۴۵ - ۳۴۶.
۲۰. طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۸؛ راوندی، سعید بن هبة الله، قصص الانبیاء، تحقیق میرزا غلامرضا فرمانیان، قم: مؤسسة الهادی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۳۸؛ ابن کثیر، اسماعیل، السیرة النبویة، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۳.
۲۱. سمهودی، علی بن احد، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، تحقیق محمد محیی‌الدین عبد الحمید، بیروت: دار الکتب العلمیة، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۶۲.
۲۲. ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۶.

۲۳. ابن سعد، طبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۶.
۲۴. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند احمد، بیروت: دار صادر، [بی تا]، ج ۶، ص ۵۵؛ نسائی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، بیروت: دار الفکر، ۱۳۴۸ش، ج ۱، ص ۱۴۷؛ ابن راهویه، اسحاق، مسند ابن راهویه، تحقیق دکتر عبدالغفور عبدالحق حسین برد البلوسی، مدینه المنوره: مکتبه الایمان، [بی تا]، ج ۳، ص ۵۸۵.
۲۵. ابن سعد، طبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۳.
۲۶. عمر بن عبدالعزیز بن مروان بن حکم، ابوحفص، خلیفه اموی که در سال ۱۰۱هـ ق در دیر سمعان مُرد. وی بهترین فرد بنی امیه بود. امام باقر علیه السلام فرمود: «برای هر قومی، نجیبی است و نجیب بنی امیه، عمر بن عبدالعزیز است.» دلیل این سخن، ظاهراً آن است که عمر بن عبدالعزیز در زمان حکومتش لعن کردن امیر مؤمنان، علی علیه السلام را ممنوع کرد. (شیخ طوسی، الخلاف، تحقیق جماعة من المحققین، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، نجف: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۰ش، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طبری، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ الامم والملوک، پیشین، ج ۵، ص ۳۰۶)
- عمر بن عبدالعزیز، در سال ۸۸هـ ق از سوی ولید بن عبدالملک والی مدینه شد. ولید بن عبدالملک در سال ۸۸هـ ق شروع به ساختن مسجد دمشق نمود و اموال عظیمی را در این راه صرف کرد. در همان سال، به عمر بن عبدالعزیز نامه نوشت که مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در هم کوبیده، منازل اطراف و حجره‌های همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ضمیمه مسجد کند. عمر، منازل و حجره‌ها را خراب کرد و آن‌ها را به مسجد اضافه نمود. زمانی که شروع به تخریب حجره‌ها کرد، خبیب بن عبدالله بن زبیر نزد عمر رفت و به او گفت: «ای عمر! تو را به خدا قسم می‌دهم که آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ» را از قرآن بردار.» عمر دستور داد صد ضربه شلاق به او زدند و آب سرد بر روی او ریختند؛ درحالی که روز سردی بود و او مُرد. وقتی عمر بن عبدالعزیز به خلافت رسید و سلوک خود را تغییر داد و زهد پیشه کرد، می‌گفت: «چه کسی برای من خبیب می‌شود؟» (یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم: مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۸۳ - ۲۸۴)

۲۷. ابن سعد، طبقات الکبری، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۸؛ همان، ج ۸، ص ۱۶۶.
۲۸. سعید بن مسیب، یکی از تابعان، محدثان و فقیهان مدینه بود که در زمان امام سجاد علیه السلام زندگی می‌کرد و در سال ۹۴ هجری وفات یافت.
۲۹. ابن سعد، طبقات الکبری، پیشین، ج ۱، ص ۴۹۹؛ همان، ج ۸، ص ۱۶۷.
۳۰. همان، ج ۱، ص ۴۸۹.
۳۱. نمیری، عمر بن شبه، تاریخ المدینة المنورة، تحقیق فهیم محمد شلتوت، قم: دار الفکر، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۲ - ۲۳۵.
۳۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۶، ص ۲۹۹؛ شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، پیشین، ج ۱، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۹، ص ۱۰۰؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، پیشین، ج ۷، ص ۴۰۱؛ مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۹، ص ۲۲.
۳۳. طبرسی، مکارم الأخلاق، پیشین، ص ۲۵۵.
۳۴. احسانی، ابن ابی‌الجمهور، عوالی اللتالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، تصحیح سید عرضی و شیخ مجتبی عراقی، قم: نشر سید الشهداء، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۸؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف العتمة فی معرفة الائمة، چاپ دوم، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۰؛ مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۱۸.
۳۵. مجلسی، بحار الأنوار، پیشین، ج ۷۷، ص ۱۲۱.
۳۶. احسانی، عوالی اللتالی، پیشین، ج ۴، ص ۳۹.
۳۷. طبرانی، سلیمان بن احمد، معجم الاوسط، تحقیق ابراهیم الحسینی، [بی‌جا]: دار الحرمین للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۲۵؛ ابن عساکر، علی بن الحسین، تاریخ مدینة دمشق، تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۵ق، ج ۵۷، ص ۱۷۹ و ج ۶۱، ص ۳۶۰.
۳۸. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۰؛ قاضی نعمان مغربی، دعائم الاسلام، پیشین، ج ۲، ص ۲۵۴؛ ابن ادیس حلی، محمد بن منصور، السرائر، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۵۰.

۳۹. ابن حبان، علی بن حبان، صحیح ابن حبان، تحقیق شعب الارنؤوط، چاپ دوم، [بی‌جا]: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۹۰؛ طبرسی، مکارم الأخلاق، پیشین، ص ۱۶.
۴۱. ابن سعد، محمد، طبقات الکبری، پیشین، ج ۸، ص ۷۶؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، مدینه: مکتبه الایمان، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۵۵؛ ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، [بی‌جا]: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۲۳۲.
۴۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۱۰۳؛ صالحی شامی، سبل الهدی، پیشین، ج ۷، ص ۳۵۶ - ۳۵۷؛ مقریزی، احمد بن علی، امتاع الاسماع، [بی‌جا]: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۱۱۶.
۴۲. محمد بن حسن، شیخ طوسی، امالی، تحقیق: قم الدراسات الاسلامیة، قم دارالثقافه لطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق، ص ۴۶۳ - ۴۶۸.
۴۳. محمد بن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ج ۵، ص ۲۲۷، اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۴ و ج ۱، ص ۳۷۰.
۴۴. ابن راهویه، مسند ابن راهویه، پیشین، ج ۳، ص ۷۱۶؛ ابن حنبل، مسند احمد، پیشین، ج ۶، ص ۲۴۱. در این دو کتاب، نام عایشه آمده است؛ سروی مازندرانی، مولی محمد صالح، شرح اصول کافی، تصحیح سید علی عاشور، تعلیق ابوالحسن شعرانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۲۹.
۴۵. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۸، ص ۱۳۰؛ محمد بن علی، شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و ترجمه شیخ محمد تقی آقا نجفی، تهران، انتشارات علمیه اسلامیة، بی تا، ج ۲، ص ۶۴.
۶۴. از عیص بن قاسم نقل شده که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «از پدرتان نقل شده که رسول خدا ﷺ هیچ‌گاه از نان گندم سیر نشد. آیا این صحیح است؟» فرمود: «رسول

- خدا ﷺ هرگز نان گندم نخورد و از نان جو هرگز سیر نشد.» (شیخ صدوق، *مالی*، پیشین، ص ۳۲۰؛ فتال نیشابوری، *روضه الواعظین*، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۶)
۴۶. کلینی، *الکافی*، پیشین، ج ۶، ص ۳۲۹؛ شیخ حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، پیشین، ج ۲۵، ص ۸۹؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۶۷.
۴۷. مائده، آیه ۸۷ و ۸۸.
۴۸. مائده، آیه ۸۹.
۴۹. ن.ک: شیخ حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، پیشین، ج ۱۴۲، ص ۸؛ همان، ج ۲، ص ۲۱. در همین باره از امام باقر علیه السلام سؤال شد: «اگر مردی هنگام عقد ازدواج، با همسر خود شرط نماید که هر زمان خودش مایل بود، نزد زن بیاید و نیز برای نفقه زن، اندازه خاصی معین نماید، آیا این شرط صحیح می‌باشد؟»، آن حضرت فرمود: «این شرط، اعتباری ندارد و هرکه با زنی ازدواج کرد، واجب است نفقه زن را بدهد و حق همخوابگی او را رعایت نماید.» (کلینی، *الکافی*، پیشین، ج ۵، ص ۴۰۳؛ شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، پیشین، ج ۲، ص ۳۷۲؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۱۰۴، ص ۵۲ و ۶۸؛ عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر عیاشی*، تحقیق رسولی محلاتی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۷۸؛ شیخ حرّ عاملی، *وسائل الشیعة*، پیشین، ج ۲۱، ص ۲۹۸ و ۳۵۱؛ قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق سید طیب جزایری، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالکتب، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۹؛ طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۹، ص ۱۱۲.
۵۰. حمیری قمی، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق، ص ۹۱ - ۹۲؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۱۶، ص ۲۱۹.
۵۱. کلینی، *الکافی*، پیشین، ج ۴، ص ۱۲. در اصل روایت، کلمه «قوتاً معروفاً» آمده است و «قوت»، در لغت به معنای مقدار غذایی است که رمق بدن را نگه داشته و بدن با آن استوار می‌ماند. (ابن منظور، *لسان العرب*، پیشین، ذیل واژه «قوت») در کتاب *لسان العرب* این دعا را شاهد برای معنای کلمه آورده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ رِزْقَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ قُوتاً أَى بِقَدْرِ مَا يُمْسِكُ الرَّمَقَ مِنَ الْمَطْعَمِ.»

۵۲. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار الفکر، [بی تا]، ج ۵، ص ۲۶؛ سجستانی، سلمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق سید محمد اللحام، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۵؛ بیهقی، احمد بن الحسین، سنن الکبری، بیروت: دار الفکر، [بی تا]، ج ۶، ص ۱۱۶؛ ابن حبان، علی بن حبان، صحیح ابن حبان، پیشین، ج ۱۱، ص ۶۰۸؛ صفدی، الوافی بالوفیات، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۷.

در متن خبر آمده است: پیامبر ﷺ هشتاد وسق خرما و بیست وسق جو به زنانش می داد. کتاب لسان العرب ذیل واژه «وسق» می گوید: وزن معلوم بار یک شتر، شصت صاع است و هر صاع، چهار مُد است و هر مُد، یک رطل و یک سوم رطل است و هر رطل، نصف مَن است. پس یک وسق، ۱۶۰ مَن است و اگر هر مَن، سه کیلوگرم باشد، هر وسق، ۴۸۰ کیلوگرم خواهد بود. پس، هشتاد وسق، یعنی ۳۸۴۰۰ کیلوگرم، یعنی ۳۸ تُن و ۴۰۰ کیلوگرم. (ن.ک: لسان العرب و کتاب العین، ذیل واژه «وسق»)

شایان توجه است که در بعضی کتب، عبارت: «بُعْطَىٰ أَرْوَاجُهُ كُلُّ عَامٍ مِنْهُ مِئَةٌ وَسَقٌ، ثَمَانِينَ وَسَقٌ مِنْ تَمْرٍ»، به این صورت ترجمه شده است: «پیامبر ﷺ به هریک از همسرانش، در هر سال، هشتاد خروار خرما و بیست خروار جو می داد.»؛ درحالی که در اصل عبارت، این مقدار، سهم همه همسران است. در این صورت نیز سهم هریک از همسران، نزدیک به ۵۵۰۰ کیلوگرم در هر سال خواهد بود که این مقدار نیز رقم بالایی است.

یکی از گزارش های تاریخی، حکایت از آن دارد که ام سلمه برای تهیه خرما عجوه که خرمایی بسیار خوش طعم بوده، شش کیلوگرم از خرماهایی را که در خانه داشت، برای مردی انصاری فرستاد و آن مرد انصاری، سه کیلو خرما عجوه به ام سلمه داد؛ اما رسول خدا ﷺ نپذیرفت. این خبر نشان می دهد که در آن زمان، معاملات، تنها با درهم و دینار نبوده و زنان پیامبر ﷺ نیز بخشی از کالاهای مورد نیاز خویش را با معاوضه این خرماها فراهم می کردند.

صفدی در ادامه خبر آورده است: رسول خدا ﷺ برای همه زنانش در سال، هشتاد خروار خرما و بیست خروار جو مقرر کرده بود. ابن حزم گفته است: این خبر، در نهایت صحت است

و ما خبری را که از طریق ضعیفی به ما رسیده، آوردیم که این مقدار، سهم هریک از زنانش بوده و خداوند داناتر است و هریک از زنان پیامبر ﷺ، کنیزان و غلامان و آزاد شده‌هایی در زمان حیات آن حضرت داشتند.

۵۳. ابن حنبل، مسند احمد، پیشین، ج ۱، ص ۱۹۷؛ همان، ج ۲، ص ۵۱۶؛ بخاری، صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۱۴؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی، [بی‌جا]: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۴۷. بخاری، در وصف شرایط اصحاب صغه نوشته است: «هیچیک از آنها، رداء یا ازاری نداشت و کسایی به گردنشان بسته بودند که در بعضی از موارد، تا نصف ساق پاهایشان می‌رسید و بعضی‌ها به زانوهایشان می‌رسید و شخص با دستانش آن را جمع کرده بود تا عورتش نمایان نشود.»

۵۴. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۵؛ حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، [بی‌جا]: مؤسسه طبع و نشر تابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۳۱؛ طبرسی، مکارم الأخلاق، پیشین، ص ۲۷.

۵۵. هیشمی، نورالدین، مجمع الزوائد ومنیع الفوائد، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۴۸.

۵۶. همان، ص ۱۴۷.

۵۶. همان، ص ۱۷۴.

۵۷. ترمذی، سنن ترمذی، پیشین، ج ۴، ص ۸؛ بیهقی، سنن الکبری، پیشین، ج ۷، ص ۱۲؛ علاءالدین علی، متقی هندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۸۹.

۵۹. مسلم، صحیح مسلم، پیشین، ج ۷، ص ۱۴۴؛ طبرسی، اعلام الوری، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۳؛ اسماعیل، ابن کثیر دمشقی، البدایة والنهایة، تحقیق: علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، ج ۶، ص ۲۲۵.

۶۰. در نزد اهل عراق و شافعی، صاع، وزن اهل مدینه است که چهار مُد است و هر مُد، یک رطل و ثلث رطل است. فقهای حجاز نیز آن را پذیرفته‌اند و هر رطل، نصف مَن است. صاع، در نزد پیامبر ﷺ، همان صاع اهل مدینه بود. در حدیث آمده است: «أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ يَغْتَسِلُ بِالصَّاعِ وَيَتَوَضَّأُ بِالْمُدِّ؛ هَمَانَا رَسُولُ خُذَا بَا يَكُ صَّاعِ، غَسَلُ مِي كَرْدُ وَا بَا يَكُ مُدِّ، وَضُو مِي كَرَفْتُ.» در کتاب *لسان العرب* ذیل لغت «صاع» آمده است: «در نزد اهل ایران، یک مُد، ۷۵۰ گرم است. در نتیجه، یک صاع، سه کیلوگرم خواهد بود.»

۶۰. حاکم نیشابوری، محمد بن محمد، مستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۴۳.

۶۲. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۵، ص ۱۵۱.